

نیروه‌های جوانی و جوان و

دکتر علی قائمی

اشاره :

جوانی یکی از مهم‌ترین و زیباترین دوره‌های حیات است که چون باد می‌آید و چون برق می‌گذرد. مجموعه‌ای از توانایی‌ها سبب می‌شود که جوان دنیا و آینده را زیبا ببیند و با سرخوشی از رؤیای آن آماده سرمایه‌گذاری از جسم و جان و تمامیت وجود برای رسیدن به هدف باشد. بنابراین در تصمیم‌گیری‌های مربوط به برنامه‌ریزی در جهت حرکت دادن جوان به سوی رشد و احیانا بهره‌گیری از توان‌های او باید به ویژگی‌های این دوره از حیات آدمی توجه کامل داشت. در بخش نخست این مقاله درباره زمینه‌های توانمندی جوانان و بهره‌گیری از آنها سخن به میان آمد. اینک ادامه مطلب از نظر گرامی‌تان می‌گذرد.

شرط‌های لازم برای توفیق

برای توفیق در به ثمر رساندن جوان و بهره‌گیری از نیروهای او، باید به این نکات عنایت کنیم :

- آگاه کردن جوان از مسائل و جریانات، شأن و موقعیت او، توانها و امکاناتش، وظایف و مسؤولیت‌هایش، باورها و اعتقاداتش، مواضع مکتب و خطوط فکری آن، ضرورت وابستگی او به مذهب حق، امیدها و توقعات به حق جامعه از او، و ...

- رعایت حرمت او، پاسداری از شأن و موقعیت او، ادای حقوق او در همه عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و قبول او به عنوان فردی ارزنده و ذی نظر در امور، و دزرای حق رأی و مداخله و تصمیم‌گیری در سرنوشت خود.

- تحکیم باور و اعتقاد او نسبت به خدا و مذهب، به وظیفه و مسؤولیت، به حساب و جزا و به رستخیز، به حساب عمل و عکس‌العمل و دادرسی خداوند در عرصه حیات این جهانی و آن جهانی از راه عمل خودمان، تذکرات و القاءات و ...

- ارائه الگوی رفتاری به او، توقع کار و تلاش، تشجیع و تحریض به فعالیت و ایجاد عادات در او، دور داشتن او از تنبلی و تن‌پروری و اهمال و سستی در انجام وظایف که لازم است این امر از همان دوران خردسالی درباره فرزند اعمال شود.

مسئولان هدایت و سازندگی

همه انسانها، نهادها و سازمان‌ها، از دولتی و خصوصی، مسؤولیت برنامه‌ریزی، تلاش و اقدام در این زمینه را دارند که اهم آنها در مراتب

جوان حیاتی است و ممکن است او را به فساد و یا به رشد رهنمون باشند.

- معلمان و مربیان که نقش آنان همانند گروه فوق نیست، ولی در مواردی بسیار با شرط خواستاری و طراحی می‌تواند سرنوشت‌ساز باشد.

- علما و روحانیان که با برنامه‌داری‌های خود می‌توانند با روح و جان جوان ارتباط پیدا کرده، عامل رشد و در مواردی هم زمینه‌ساز انحطاط آنها باشند.

- مسؤولان و زمامداران و به طور کلی مجریان در یک جامعه که نوع عمل و روابط آنها می‌تواند درس‌آموز و امیدآفرین و در مواردی نگران‌کننده و انحراف‌انگیز باشد.

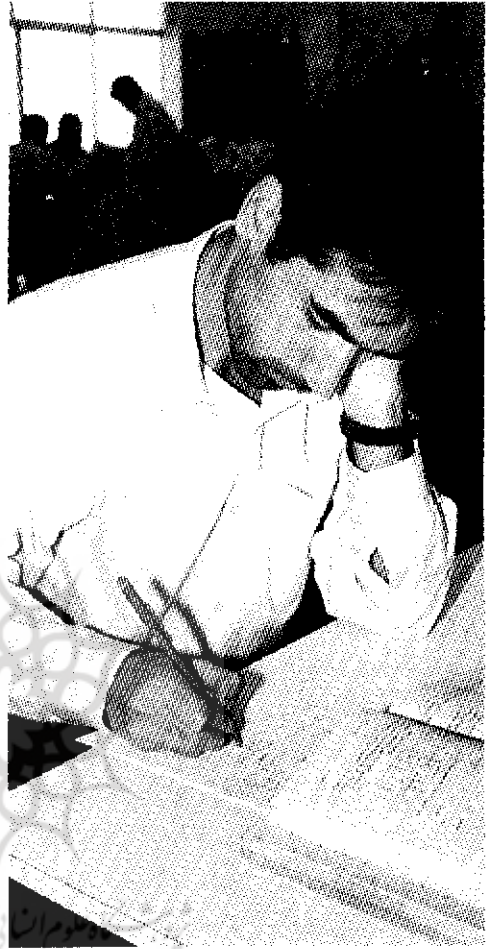
- و بالاخره مردم و همین افرادی که در محله و شهر و منطقه‌اند و در برابر دید و منظر جوان قرار دارند. حالات و رفتار آنان، توقعات و اتخاذ مواضع ایشان، کیفیت زندگی و ادا و اطوارشان و اخلاق و اعتقادات آنها، همه و همه در جوانان مؤثرند.

۲- سازمان‌ها و نهادها: و در این عرصه چه بسیارند نهادها و مؤسساتی که می‌توانند در کار جوانان، برنامه‌ریز، طراح، کمک‌کار و جهت‌دهنده باشند و آن مؤسسات و سازمان‌ها عبارتند از:

- وزارتخانه‌هایی چون آموزش و پرورش، فرهنگ و آموزش عالی، بهداشت و درمان و آموزش پزشکی که امر اندیشه‌سازی و تربیت فکری و علمی جوانان را بر عهده دارند.

- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان تبلیغات که در خط هدایت نسلند.

- وزارت کار که در خط هدایت شغلی و



زیر عبارتند از:

۱- انسانهای اطراف جوان که مهم‌ترین آنها به ترتیب عبارتند از:

- والدین و اعضای خانواده که برترین و بیشترین مسؤولیت را در این زمینه دارند.

- خویشان و بستگان که در مواردی نقش آنها از والدین هم برتر است، به ویژه در سنین جوانی که فرد در ارزیابی خود به جمع‌بندهایی رسیده است.

- دوستان و معاشران که نقش ایشان برای

- و بالاخره این جوان است که با خودیابی، خودجوشی و خود رهبری می‌تواند و باید وارد صحنه کار و زندگی گردد و با تلاش خویش کفایت نیازها کند.

- چشم امید به سوی اوست، و نگاه افتادگان و نوتوانان متوجه اوست. همگان نیاز خود را متوجه او ساخته‌اند و قدرت کار و فعالیت او را مطمح نظر قرار داده‌اند.

چه بسیاریند افرادی که با آرزوی بازگشت جوانی و با حسرت و تأسف از فنای عمر و توانمندی خویش در عصر شباب، آرزو می‌کنند آن غفلت و اشتباه برای نسل حاضر تکرار نگردد.

مسئولیت‌ها در قبال نسل جوان

در زمینه هدایت جوان، به ویژه در ارتباط با مقصد بهره‌گیری از توانمندی‌های او به نفع خود و جامعه‌اش، همگان در قبال او، جامعه و نهایت خدای شاهد و مالک و حسابرس، مسؤولند:

۱- **مسئولیت خانواده در قبال جوان**
عبارت است از پذیرش او به عنوان ثمره حیات، شناسایی او به عنوان نماد خانواده و جانشین صالح والدین، احترام به او، تلاش در جهت هدایت و رهبری او، تربیت و به عمل آوردن او، قراردادن الگوی شایسته و صالح در سر راه او، خیرخواهی و عبرت‌آموزی به او، موعظه و تذکر به او، خواستاری عضویت مؤثر او در خانواده، مشارکت‌خواهی از او در اداره زندگی، ارشاد او در معاشرت‌ها و روابط، برنامه‌ریزی برای سازمان‌دهی زندگی او، فراهم کردن شرایط ازدواج او، رفع نیازهای اساسی او، آماده کردن او برای ورود در جامعه انسانی و

ایجاد اشتغال برای این نسل است.

- وزارت کشاورزی، جهادسازندگی و سازمان‌های مشابه که می‌توانند در این عرصه زمینه‌ساز اشتغال و تحرک باشند.

- نیروی مقاومت بسیج کشور و دیگر سازمان‌های نظامی و انتظامی، مؤسسات تحقیقاتی و پژوهشی، نهادهای مهم کشور چون نهاد ریاست جمهوری، و ... که هر کدام به نحوی می‌توانند در این طریق مددکار و زیر بازوگیر جوان باشند و با تهیه طرح‌های اشتغال‌زا خدمتی به این نسل انجام دهند.

۳- **خود جوان:** که انسان است و باید در صف انسانهای قبلی قرار گیرد. ولی ما او را در صف قرار ندادیم تا بالاستقلال راجع به او و توانهایش بحث کنیم.

- این شخص جوان است که باید اندیشه خود را به کار گیرد و بداند و بفهمد که برای چه کار و وظیفه‌ای مسئولیت دارد و از او چه خواست و توقعی دارند.



- این جوان است که با زور بازو و توان سر انگشتان خود می‌تواند و باید گره‌ها را بگشاید و به حل مشکلات بپردازد.

عضویت مؤثر در آن ...

- رعایت حقوق آنها در همه عرصه‌های سیاسی - اجتماعی - اقتصادی و دفاع از این حقوق .

- توسعه روابط انس با آنها در محیط‌های اجتماعی کوچک و بزرگ، به ویژه در مجامع دینی و رسمی .

- همراه کردن آنها با خود در تصمیم‌گیری‌ها و نظرخواهی‌ها و حضور و شرکت در مجامع گوناگون .

- صیانت و پاسداری از جان و آبروی آنها در مواقع دشوار و حفظ حیثیت و دفاع از آنان .

- تسهیل شرایط حیات آنها به گونه‌ای که بتوانند از زندگی جوانی لذت برده ، بدان قانع باشند .

- اعتماد به آنها در عهد و قول و وفاداریها، و در پیوند انس و زناشویی و روابط خانوادگی . فراهم آوردن زمینه برای کار و اشتغال و در اختیار قرار دادن تجارب خویش .

- زیربازوگیری از آنان در بن‌بست‌ها و شرایط ناگوار زندگی و در محصه‌ها .

- برقراری روابط عاطفی با نسل جوان و ایجاد جوئی از ملاحظات و حیاداری فیما بین .

۴- مسؤولیت دولت : مسؤولیت دولت در

ارتباط با نسل جوان مسؤولیتی اساسی و بنیانی است تا حدی که بسیاری از جوامع دربارهٔ هدایت نسل جوان و بهره‌گیری از قدرت و توان ایشان، سازمان و یا وزارتخانه‌ای در ارتباط با جوانان تأسیس کرده‌اند. این سازمان یا وزارتخانه امر راهنمایی و کارگردانی نسل جوان را بر عهده دارد. آنچه دولت در رأس اجرای همه برنامه‌ها و تصمیم‌گیری‌های خود می‌تواند مورد رعایت و عمل قرار دهد بسیار است و

۲- مسؤولیت معلمان و مربیان و در این وادی تنها آموزگاران مطرح نیستند که روحانیان و رهبران فکری نیز در این عرصه مطرحند. اهم وظایف آنها عبارت است از :

- هدایت فکری و علمی نسل برای داشتن متخصصانی متمهد و خیرگانی ورزیده در حیات اجتماعی .

- ارائه شیوه زندگی و موضع‌داری بر اساس خط مکتب و مبتنی بر ضوابط عقل و خرد و عرف .

- الگونمایی برای جوان که آنان تشنهٔ آند و درس عملی حیات به آن وصل و متصل است .

- جهت دادن آنها به سوی خانواده و قداست آن و رعایت حرمت والدین و بهره‌گیری از تجارب آنها .

- واداشتن آنها به مشارکت در عرصهٔ حیات اجتماعی و قبول عضویت مؤثر در جامعه .

- ارشادات و القآت لازم برای یافتن خط زندگی و القآت و ذکر و موعظه و نصیحت و عبرت‌آموزی .

- برپا کردن اندیشه‌شان از تعالیم دینی و احکام و تنفیذ باورها و اعتقادات .

۳- مسؤولیت مردم : مردم جامعه و نیز

مجربان کار و برنامه و زندگی نیز در این عرصه مسؤولیت‌های بسیاری دارند که اهم آنها عبارتند از :

- قبول جوانان به عنوان سرمایه‌های کشور و آینده‌سازان و امیدهای حال و بعد جامعه .

- احترام آنها و حفظ کرامت ایشان ، که جوان با احساس افتخار بتواند با آنها در ارتباط باشد .

برخی از آنها بدین قرارند:

- ارزش نهادن به نسل جوان به عنوان سرمایه‌های ملی حال و آینده کشور و آماده‌سازی آنان .

- شناسایی شأن و موقعیت آنها، و جنبه‌های عاطفی، روانی و ذهنی آنان .

- توجه به حقوق آنها در همه عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، معنوی، اخلاقی و ...

- تشکیل نشست‌ها، با جوانان برای تصمیم‌گیری‌های مربوط به کشور و حسن اداره آن .

- ایجاد فرصت‌های مناسب برای آموزش آنها در زمینه‌های گوناگون علمی، فرهنگی، هنری و اخلاقی .

- نقش‌آموزی آنها در عرصه‌های گوناگون سیاسی و اقتصادی به صورتی کارآمد و جهت دهنده .

- رفع موانع رشد آنها در حیطه‌های زیستی، ذهنی، عاطفی، اخلاقی، روانی و ...

- تعیین حدود و مرزهای فعالیت آنها در جنبه سیاسی و حدود اختیارات آنها در مداخله‌ها.

- تشویق به مشارکت فعال در عرصه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، ضمن هدایت آنها.

- خواستاری حل مشکل توسط جوانان در ارتباط با گروه‌ها و دسته‌ها و احیاناً شرایط اقتصادی .

- درخواست تقیّد به حدود و مرزهای قانونی مشروع و مصوّب در جامعه.

- فراهم‌سازی زمینه برای کار و اشتغال آنان در جامعه که بیکاری ام‌الاساس مفسد است .

- برنامه‌ریزی در جهت جلوگیری از فرار مغزها و احساس اینکه آنها باید به جامعه سرمایه‌گذار درباره خود وصل باشند .

- تشکیل سازمان جوانان و خواستاری خودگردانی آن با استفاده از مشورت‌ها و زمینه‌های فکری موجود .

- برنامه‌ریزی در جهت بازسازی جوانان منحرف در زندانها و یا اماکن تحت نظر دولت .

- ارائه و عرضه مشاوره به جوانان در جهت حل مشکلات آنان در همه عرصه‌های خانوادگی، شغلی و تحصیلی .

- پرداخت غرامت به آسیب دیده‌ها و آماده‌ها برای کار و فعالیت که به عللی بیکار مانده‌اند .

- نظرخواهی از آنان در زمینه حل مسائل و دشواری‌های کشور، در همه عرصه‌ها و زمینه‌ها.

- آماده‌سازی برای جنگ و دفاع در موارد لازم و حفظ جامعه و کشور از آسیب‌ها و عوارض .

۵- **مسئولیت خودشان** : و سرانجام جوان در جوّ و شرایطی است که خود می‌تواند سربای خویش بایستد و با اعتمادی که به خود از جانب مددخواهی از خدا دارد، به پیش رود. از جوانان در ارتباط با حیات شخصی و اجتماعی شان توقع بسیار وجود دارد و از جمله است :

- خواستاری در عرصه خودیابی و خودشناسی و شناخت نقاط ضعف و قدرت خویش و تلاش در جهت ترمیم آن .

- تلاش در جهت رفع موانع رشد و افزایش خودآگاهی و کوشش در ساختن و به عمل آوردن خود .



می شود قدرت و توان خود را در اختیار نگذارند.

- تبعیض ها که همانند سوهانی برای روح جوانان است و از آن جدا "احساس رنج می کنند.

- استثمار و استعبادها که در صورت آگاهی از آن دست به انتقام دراز می کنند .

- مجازات های منحط و غیر عادلانه که نوجوان را بر می انگیزاند که در صورت قدرت ، کینه چوبی کند.

- نفاق و دورویی در فعل و قول که در مواردی سبب بی ایمانی آنان می شود.

- بی توجهی به حقوق اساسی و نیازهای آنان که سبب پژمردگی و افسردگی هاست .

- مسامحه و اهمال در هدایت و بهره گیری مشروع از قدرت آنها که بواقع نوعی هدردهی سرمایه و بسی توجهی به عنایات خداوندی است .

- و همه گاه باید از این امر بر حذر بود که گنجی گرانقدر در عین نیاز ما، در خانه ما باشد و ما همچنان مستمندانه گرفتار در یوزگی ها باشیم.

- درک موقعیت خود و تعمق در شناخت فلسفه حیات و وظیفه ای که بر او بار است .

- سعی در انجام وظیفه و ایفای مسؤولیت با تجهیز همه توان ها، امکانات و استفاده از قوای خود.

- درک این مسأله که مرحله جوانی با همه کوتاهی آن از دوره های حساس و مورد

بازخواست و سؤال خداوند است .

- کوشش در جهت سازندگی و رشد خود در همه عرصه های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی.

- پروراندن شور و عشق به کار و مسؤولیت و خدمت به جامعه و مردم .

- در نظر داشتن خدا و اقرار و اعتراف به شاهد و ناظر بودن او در همه احوال.

پرهیزها در مورد جوانان

آنچه مایه زجر و شکنجه روحی برای جوانان و سبب رمندگی آنان از دیگران است، عبارت است از :

- بی حرمتی و بی اعتنائی ها که زمینه ساز ناراحتی و خشم و غضب جوان است .

- به حساب نیابردن ها در کارها که سبب